

سهم بالای مدیریت دولتی، شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی، بازار سرمایه را به سیطره دولت در آورده است

نفس تنگی بورس

مهام سلیمان بیگی؛ حضور پررنگ دولت در بازار سرمایه، نفس بورس را گرفته است. این نکته‌ای است که بارها فعالان بورس به آن اشاره کرده‌اند. اخیرا محمد نجفی‌عرب، رئیس اتاق بازرگانی تهران، با انتقاد از عدم تکلیف حدود ۱۱ساله دولت در واگذاری‌ها، اعلام کرده که حدود۸۵ درصد از بورس و فرابورس را شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی تشکیل می‌دهند و سهم بخش خصوصی خالص تنها کمتر از ۱۵ درصد است. او یادآور شده که دولت باید طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، تا سال ۹۳ کلیه واگذاری‌ها را به بخش خصوصی انجام می‌داد که این موضوع اتفاق نیفتاده است. جالب اینجاست که حضور ۸۵درصدی دولت در بورس، در حالی مطرح است که هم‌زمان با دخالت‌های مستمر دولت در بازار سرمایه، سازمان بورس به‌عنوان نهاد ناظر و بانک مرکزی به‌عنوان تصمیم‌گیرنده در حوزه سیاست‌های پولی نیز در این بازار اِیضای نقش می‌کنند. این یعنی در کشور هیچ‌یک از نهادهای فوق به‌صورت مستقل کاری را انجام نمی‌دهند. سازمان بورس برای تصویب برخی قوانین با محدودیت‌هایی مواجه بوده و در ادامه بانک مرکزی به دلیل مواردی درباره تورم، مجبور به اتخاذ تصمیماتی می‌شود که چندان برای بازار خوشایند نیست. جلا باید به این آش شور، چاشنی پک دخالت غیرمستقیم در قالب مدیریت شرکت‌ها را هم اضافه کنیم.

مدیریت دولتی بر کرده مالکیت خصوصی

جایگاه دولت و شرکت‌های دولتی در بازار سرمایه در کشورهای مختلف وابسته به قوانین و جایگاه دولت در اقتصاد متفاوت است. برای مثال، مطالعه ترکیب سهامداری کشورهای مختلف بیانگر آن است به‌صورت متوسط بیش از ۴۰ درصد بازار سرمایه جهان در اختیار سرمایه‌گذاری‌های نهادی (صندوق‌های بازنشستگی و بانک‌های سرمایه‌گذاری) است که در این بین سهم این بخش در بورس آمریکا ۷۲ درصد اما در اقتصاد چین فقط ۹ درصد است.

سهم بخش‌های عمومی اعم از دولت‌های محلی، شهرداری‌ها و دولت‌های فدرال هم به‌صورت متوسط ۱۴ درصد است و سهم این بخش در بورس‌های آمریکا و چین ۲۳ و ۳۸ درصد است. شرکت‌های خصوصی و سرمایه‌گذاران استراتژیک نیز عموما ۷۷درصدی دارند و سهام شناور در بورس‌های جهانی به‌صورت متوسط ۲۷ درصد است.

در ایران اما اگرچه خصوصی‌سازی در برخی بخش‌ها انجام شد، در عمل عمده واگذاری‌ها به بخش عمومی و سهام عدالت بود. بنابراین اکنون بیش از دوسوم بازار در اختیار این دو بخش بوده و دولت همچنان در شرکت‌های اصل ۴۴ سهامدار است و به این واسطه ۱۰ درصد مالکیت بازار را مستقیما در اختیار دارد.

عباسعلی حقانی‌نسب، تحلیلگر بازار سرمایه، پیش از هر چیزی در بحث سهم ۸۵درصدی دولت این را خاطرنشان می‌کند که لازم است در نظر گرفت دو موضوع مطرح است؛ مالکیت دولتی یا مدیریت دولتی. از نگاه او، در بحث مالکیت دولتی، سهم ۸۵درصدی برای دولت عدد درستی نیست و حتی بالای ۷۰ درصد هم نمی‌تواند باشد. اما از آنجایی که مدیریت شبه‌دولتی‌ها و مدیریت سهام عدالت توسط دولت انجام می‌شود و عملا مدیریت در دست دولت است، این را می‌توان به راحتی گفت که بالای ۷۰ درصد بورس ایران، مدیریت دولتی دارد.

به باور این کارشناس، از قضا مشکل اصلی هم همین مدیریت است و اینکه مالکیت دولتی نباشد، ولی مدیریت دولتی باشد یکی از سازوکارهای شترمرغی ناکارآمد است؛ چون در این صورت عملا مدیری در شرکت دارید که نفع خودش را در مالکیت نمی‌بیند و دل نمی‌سوزاند و اتفاقا این یکی از سرمنشاهای ناکارآمدی است. درحالی‌که اگر مالک و مدیر این شرکت‌ها هر دو دولت بود، حداقل در جهت منافع خود مدیریت کارآمدتری داشت اما حالا هیچ تلاشی برای ثروت‌سازی و سودآوری نمی‌شود.

حقانی‌نسب می‌گوید: «ما در اقتصاد و حسابداری یک تئوری داریم به نام تئوری نمایندگی که بر اساس آن معتقد هستیم موجب تضاد منافع می‌شود. در این شرایط، مدیر به دنبال حداکترسازی منافع خودش است و سهامداران نیز به دنبال منافع خودشان هستند؛ ولی این منافع با هم یکی نیستند و نهایتا تضاد منافع منجر به ناکارآمدی، عدم شفافیت و تصمیماتی می‌شود که اکنون در شرکت‌ها شاهد آن هستیم. سه حالت وجود دارد؛ اول مالکیت خصوصی و مدیریت خصوصی، دوم مالکیت دولتی و مدیریت دولتی و سوم مالکیت خصوصی و مدیریت دولتی. در بین این سه حالت، بدترین حکمرانی اقتصادی

سهم بالای مدیریت دولتی، شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی، بازار سرمایه را به سیطره دولت در آورده است

نفس تنگی بورس



عکس: مصطفی روزگی/میزان

حساس می‌کند؛ یعنی به محض افزایش تقاضا، سریع‌ا قیمت بالا می‌رود و به محض افزایش عرضه، قیمت کاهش می‌یابد. همین مسئله موجب شده بورس سال‌هاست برای سهامداران خرد بازدهی ندارد. در سه سال اخیر بورس روی هم رفته ۲۰ درصد هم بازدهی نداشته آن هم در شرایطی که تورم این سه سال مجموعا ۱۵۰ درصد است.»

به گفته این کارشناس، بازدهی که درحال‌حاضر بازیگران بازار می‌گیرند، صرفا از طریق نوسان‌گیری است؛ درحالی‌که نوسان‌گیری در بازار سرمایه در دنیا اصلا متعارف نیست.

از نگاه سلامی، در کشورهای مطرح و بورس‌های مهم جهان، با تغییر و رشد در شرکت‌ها است که قیمت سهام آنها افزایش پیدا می‌کند اما در ایران سهامداران با هم تصمیم می‌گیرند که در یک زمان بفروشند تا قیمت پایین بیاید و بعد بلافاصله شروع می‌کنند به خریدن تا قیمت سهام بالا برود، آن را بفروشند و نوسانی بگیرند. به همین دلیل است که مردم عادی حاضر در بورس، هر روز بیشتر از بورس ناامید می‌شوند و به سمت بازارهای دیگر مثل طلا و سکه می‌روند.

او تأکید می‌کند: «بنابراین همان‌طور که گفتم عمق‌کم شدن بورس بدترین نتیجه حضور گسترده دولتی‌ها در بورس است. بیش از دو سال است که شاخص روی حدودا دویملیون و صد مانده و این نشان می‌دهد مردم عادی در بورس دستاوردهایی نداشته‌اند.»

فریب بزرگ

سلامی در ادامه به وضعیت بورس در سال‌های ۹۸ و ۹۹ اشاره می‌کند که شاخص از حدود صد هزار تا دویملیون و ۲۰۰ هزار رسید و ۲۰ برابر شد و می‌گوید: «این مسئله‌ای بود که خود دولت و شبه‌دولتی‌ها به دنبال آن بودند و حتی بعضا اطلاعات غلط به مردم دادند مبنی بر اینکه بورس پتانسیل خیلی خوبی دارد. درنهایت تعداد زیادی از مردم به سمت بورس آمدند که سهم هزار تومانی را هشت هزار تومان بخرند و یک‌فقطه سقوط کند تا همان هزار تومان اولیه. مردم حدودا بالای صد هزار میلیارد تومان متضرر شدند و فقط یک عده افراد که همان دولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها بودند، سود کلان بردند. برای همین هم توانستند چاله‌های کسری دولت را پر کنند. من اسم این ماجرا را فریب بزرگ گذاشتم، حتی چند وقت پیش بازمی‌خواستند این بازی را تکرار کنند اما دیگر مردم زیر بار نرفتند. تا زمانی که ۸۵ درصد سهام در دست دولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها باشد، مردم به بورس و عملکرد آن هیچ اعتمادی نمی‌کنند و از فعالیت در بورس می‌گذرند.»

این کارشناس معتقد است اگر دولت و شبه‌دولتی‌ها آن زمان حضور نداشتند و سهام در دست خود مردم بود، بورس وضعیتی بسیار بهتر پیدا می‌کرد؛ هرچند از نظر او این را باید در نظر داشت که بورس آینده اقتصاد است نه خود اقتصاد؛ یعنی باید شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی سودآوری و برنامه داشته باشند و بدون اینها هر کاری هم کنیم، بورس رونق نمی‌گیرد. در ایران اما رونق هیچ‌وقت به خاطر سوددهی شرکت‌ها نبوده و اگر افزایشی در قیمت سهام‌ها اتفاق افتاده است و سودی گرفته شده، بر مبنای تورم بوده نه رشد شرکت و سوددهی.

در ادامه قرارداد منعقدشده گروه بهمن با شهرداری تهران:

چالش‌های تجارت خارجی ایران

فرسید فرزکان؛ مهم‌ترین چالش‌های تجارت خارجی ایران می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. **تحریم‌های بین‌المللی**: ایران در سال‌های اخیر با تحریم‌های مختلفی از سوی کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا مواجه بوده است. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های تجاری، مالی و صنعتی است که بر صادرات و واردات، دسترسی به بازارهای بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر منفی گذاشته است.

۲. **نوسانات نرخ ارز**: نوسانات شدید و پیش‌بینی نشده در نرخ ارز می‌تواند بر تجارت خارجی تأثیر منفی بگذارد. این نوسانات موجب بی‌ثباتی در بازار و سختی در برنامه‌ریزی بلندمدت برای صادرکنندگان و واردکنندگان می‌شود.

۳. **محدودیت‌های بانکی و مالی**: به دلیل تحریم‌ها، دسترسی ایران به سیستم‌های مالی بین‌المللی مانند سوئیفت محدود شده است. این محدودیت‌ها انتقال پول بین تجار و شرکت‌های ایرانی و شرکای خارجی آنها را دشوار می‌کند (سال‌هاست که استفاده از اعتبارات اسنادی و مشارکت بانک‌های کشور در تجارت بین‌المللی پایان یافته که این مهم باعث افت درخور توجهی در تجارت خارجی کشور است).

۴. **زیرساخت‌های ناکافی**: نقص در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک می‌تواند هزینه‌های تجارت را افزایش دهد و رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی را کاهش دهد.

۵. **قوانین و مقررات داخلی**: قوانین و مقررات داخلی محدودکننده و پیچیده می‌تواند فرایند صادرات و واردات را دشوار و زمان‌بر کند. این شامل رویه‌های گمرکی، استانداردهای محصول و مالیات‌ها می‌شود.

۶. **محدودیت‌های صنعتی و تکنولوژیکی**: محدودیت‌ها در دسترسی به فناوری‌ها و تجهیزات پیشرفته به دلیل تحریم‌ها می‌تواند بر توانایی ایران در تولید کالاهای رقابتی در بازارهای جهانی تأثیر بگذارد.

۷. **تغییرات سیاسی و نااطمنیانی**: نااطمنیانی‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی می‌تواند بر اعتماد سرمایه‌گذاران و شرکای تجاری تأثیر منفی بگذارد و به افزایش ریسک در تجارت خارجی منجر شود.

۸. **رقابت بین‌المللی**: افزایش رقابت در بازارهای جهانی، به‌ویژه از کشورهای با هزینه تولید پایین‌تر، می‌تواند برای ایران چالش‌برانگیز باشد. این امر به‌ویژه در صنایعی که ایران به دنبال کسب مزیت رقابتی در آنها است، مهم است.

۹. **مسائل محیط‌زیستی**: فشارهای جهانی برای رعایت استانداردهای محیط‌زیستی و پایداری می‌تواند برای صادرکنندگان ایرانی که باید به استانداردهای بین‌المللی پاسخ‌گو باشند، به‌ویژه در آینده نزدیک چالش‌برانگیز باشد.

۱۰. **توانایی در دستیابی به بازارهای جدید**: به دلیل محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی، پیدا کردن و دستیابی به بازارهای جدید برای صادرات می‌تواند برای ایران دشوار باشد. این امر می‌تواند مانعی برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به منابع خاص شود.

۱۱. **کیفیت و استانداردهای بین‌المللی**: افزایش نیاز به رعایت استانداردهای بین‌المللی و اطمینان از کیفیت محصولات صادراتی می‌تواند برای تولیدکنندگان ایرانی که می‌خواهند در بازارهای جهانی رقابت کنند، دشوار باشد.

۱۲. **مشکلات تأمین مالی**: دسترسی محدود به منابع مالی خارجی و داخلی برای توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های صنعتی می‌تواند رشد و توسعه اقتصاد را کند کند.

۱۳. **تغییرات در سیاست‌های تجاری جهانی**: تغییرات در سیاست‌های تجاری و اقتصادی جهانی، مانند حمایت‌گریایی و جنگ‌های تجاری، می‌تواند بر شرایط تجارت خارجی ایران تأثیر بگذارد و فرصت‌هایی جدید یا موانعی ایجاد کند.

با وجود این‌چالش‌ها، ایران تلاش‌هایی را برای کاهش وابستگی به نفت و تنوع‌بخشی به اقتصاد خود از طریق توسعه صنایع و خدمات دیگر انجام داده است. این تلاش‌ها شامل توسعه صنایع پتروشیمی، معدنی، کشاورزی و گردشگری است، تلاش برای بهبود محیط کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تغییراتی از نوع تحول در نگاه به منافع اقتصادی و اولویت‌دهی به موارد تجاری در مقایسه با اهداف سیاسی نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند به مواجهه با این چالش‌ها کمک کند.

همچنین دیپلماسی اقتصادی و تلاش برای بهبود روابط با کشورهای همسایه و دیگر شرکای تجاری مهم، می‌تواند در بازگشایی بازارهای جدید و کاهش اثرات منفی تحریم‌ها مؤثر باشد. افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مانند پیوستن به ابتکارات تجاری چندجانبه یا توافق‌های تجارت آزاد، می‌تواند به افزایش دسترسی به بازارها و منابع سرمایه‌گذاری کمک کند.

از سوی دیگر، تقویت بخش خصوصی و حمایت از استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوپا می‌تواند نوآوری و رقابت‌پذیری را در اقتصاد ایران تقویت کند. این امر با ایجاد یک محیط کسب‌وکار مثبت‌تر که شامل اصلاحات قانونی و مالیاتی و کاهش بروکراسی است، تسهیل خواهد شد.

علاوه‌براین توسعه و بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، مانند بنادر، راه‌آهن و جاده‌ها می‌تواند به کاهش هزینه‌های تجارت و افزایش کارایی در صادرات و واردات کمک کند.

درنهایت، تقویت تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید به‌ویژه در بخش‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری اطلاعات و بیوتکنولوژی، می‌تواند به ایجاد مزیت رقابتی برای ایران در بازارهای جهانی کمک کند.

مجموعه این تلاش‌ها و اقدامات می‌تواند در درازمدت به کاهش وابستگی ایران به صادرات نفتی و ایجاد یک اقتصاد متنوع‌تر و پایدارتر کمک کند که در برابر نوسانات بازارهای جهانی و تحریم‌های بین‌المللی مقاوم‌تر خواهد بود.



بستون T77 چه ویژگی‌های فنی دارد؟
بستون T77 مجهز به بیش‌رانه ۱.۵ لیتری توربوشارژ، قدرتی معادل ۱۶۶ اسب بخار را به‌واسطه یک گیربکس هفت‌سرعته DCT به محور جلوی خودرو منتقل می‌کند.
T77 با در اختیار داشتن ACC، AEB و FCW بخشی از امکانات یک خودروی نیمه‌خودران را داراست و ایمنی شما را ضمن رانندگی تأمین می‌کند.
قیمت این خودرو یک میلیاردو ۹۴۶ میلیون تومان اعلام شده است.



یادآور می‌شود اتوبوس‌های تولیدی شرکت اسنا ۱۲ و ۱۸متری بوده و در زمره

متعهدبودن شهرداری تهران به قرارداد فی‌مابین است.